روزنامه طلوع

تاریخ ۲۷ دی ۱۴۰۰ دوشنبه

صفحه ۵

شماره ۳۲۷۴

سال بیست‌وهفتم

سخن بزرگان

به‌جای اینکه به‌دنبال پول و ثروت بروید

علایق‌تان را دنبال کنید

تونی هسیه

علمی

دولت‌ها در برابر غول‌های تجاری؛
آینده در اختیار کیست؟

وحید جعفری زاده
دانشجوی دکترای مهندسی کامپیوتر

از سال‌ها پیش بیشترین تولید ثروت در جهان توسط کمپانی‌های تجاری بزرگ انجام می‌شده است. از شرکت‌های بزرگ و مطرحی مانند توتال، جنرال موتورز، نوکیا، سامسونگ، آرامکو گرفته تا مایکروسافت و هواوی و گوگل و این اواخر هم تسلا. وقتی به روابط بین این شرکت‌ها و دولت‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم با گسترش تجارت جهانی و توسعه شرکت‌های چندملیتی و بین‌المللی رابطه مالی دوسویه‌ای میان آنها برقرار بوده است، اما عمدتاً این شرکت‌ها هستند که نقش بیشتری در تولید ثروت در کشورهای میزبان ایفا کرده‌اند؛ ولی آیا این رویه قرار است تا همیشه به همین شکل پیش برود؟ اساساً چرا غول‌ها و ابر غول‌های تجاری جهان که بعضاً هم از نظر ساختار و تشکیلات و هم از نظر توان مالی و تجهیزاتی از دولت‌ها بسیار بزرگ‌تر هستند باید گوش به فرمان دولت‌ها باشند؟ آیا این معادله نیز مانند بعضی معادلاتی که در سال‌های اخیر دگرگون شده، تغییر می‌کند؟

مقدمه را با مثال ورزشی آغاز کنیم

بهتر است قبل از ادامه بحث، یک اتفاق تاریخی را که سال قبل افتاد مرور کنیم؛ اتفاقی که اگر چه در دنیای ورزش افتاد، اما ممکن است در آینده مابه‌ازاهای بزرگتری در دیگر حوزه‌ها داشته باشد! در آوریل ۲۰۲۱، دوازده تیم اروپایی از سه کشور با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند می‌خواهند به صورت مستقل یک لیگ جدید در اروپا تشکیل دهند و با قواعد خود در این لیگ جدید بازی کنند، با توجه به اینکه این لیگ جدید از پرطرفدارترین و مطرح‌ترین باشگاه‌های جهان تشکیل می‌شد، پیش‌بینی این که این لیگ به زودی به معتبرترین رقابت فوتبالی در جهان تبدیل خواهد شد، چندان دشوار نبود. اما آغاز این لیگ جدید عملاً لیگ‌های داخلی کشورها و معتبرترین رقابت‌های قبل از آن را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌داد و همه توجه‌ها و درآمدها و تبلیغات را

به سوی خود جلب می‌کرد، بنابراین بلافاصله مدیران بالاترین نهادهای فوتبالی در جهان مقابل آن جبهه گرفتند؛ در راس آنها روسای فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال) و یوفا (فدراسیون فوتبال اروپا) به شدت به سوپرلیگ تاختند و تلاش کردند تا جلوی تولد آن را بگیرند. از جمله اتفاقات قابل تأمل مذاکرات فشرده و سنگین آنها با سیاسیون به ویژه بوریس جانسون نخست وزیر انگلستان و امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه بود که درنهایت باعث شد تا با فشار این قدرت‌های سیاسی فرایند سوپرلیگ که قرار بود چند ماه بعد رسماً آغاز شود، متوقف شود، حال آن که در قوانین فیفا و سایر فدراسیون‌های زیرمجموعه آن از جمله یوفا همواره بر عدم دخالت سیاسیون و دولت‌ها در فوتبال تأکید و با متخلفان برخورد قانونی می‌شده است! اما به محض این که قدرت، درآمد و موجودیت آنها با تهدید مواجه شد، دست به دامن همین سیاسیون و دولت‌ها شدند تا موفق شوند از خود دفاع کنند! در جهان از این رخداد (تاسیس سوپرلیگ) با عناوینی همچون انقلاب، کودتا، توطئه و زمین لرزه یاد شد، اما چرا؟ موشکافی این اتفاق در ادامه بحث ما را یاری خواهد کرد. علت به اصطلاح کودتای این تیم‌ها، این بود که در طول سالیان متمادی، فدراسیون‌های فوتبال در جهان بر همه اتفاقات فوتبالی حکمرانی می‌کردند و از این راه (و در قالب برگزاری رقابت‌های معتبر جهانی) هم قدرت قابل توجهی به دست آورده بودند و هم درآمد کلانی را به جیب می‌زدند، اما سهم بسیار کمی از این درآمد به باشگاه‌ها می‌رسید، به ویژه باشگاه‌های بزرگ و پرطرفدار که از یک طرف بیشترین درآمد را نصیب فدراسیون‌ها می‌کردند، ولی درآمد اندکی عایدشان می‌شد و به جز برای چند تیم اول، عملاً امتیاز ویژه‌ای در نظر گرفته نمی‌شد. از سوی دیگر فدراسیون‌ها برای افزایش درآمد با استفاده از قدرت خود فشار بیشتری به باشگاه‌ها وارد می‌کردند، از افزایش تعداد مسابقات (که باعث افزایش درآمد فدراسیون‌ها و خستگی و فشار بیشتر به باشگاه‌ها می‌شد) تا برگزاری مسابقات در کشورهای ثالث مانند چین و عربستان. اگر بخواهیم تغییر درآمد را به صورت عددی مقایسه کنیم مطابق آمار رسمی، یک تیم در صورت قهرمانی در اروپا در بهترین حالت ۱۲۰تا ۱۳۰ میلیون یورو درآمد کسب خواهد کرد اما قهرمان سوپرلیگ می‌تواند به درآمدی در حدود ۴۰۰ میلیون یورو دست پیدا کند؛ همچنین به تیم‌هایی که عضویت در سوپرلیگ را بپذیرند در همان ابتدا حدود ۴۵۰ میلیون یورو داده می‌شود! با مقایسه این اعداد تفاوت فاحش بین گردش مالی و درآمدها عیان می‌شود.

حال اگر فرض کنیم همان‌طور که آن ۱۲ تیم با این فلسفه که چرا وقتی عمده درآمد یوفا به واسطه ماست اما سهم کمی نصیبمان می‌شود پس ما که ابزار و اعتبار داریم چرا خودمان دست به کار نشویم، تصمیم به طغیان گرفتند؛ آیا ممکن نیست که کمپانی‌های بزرگ روزی علیه دولت‌ها دست به طغیان و شورش بزنند؟ وقتی این غول‌های تجاری چنین ثروت عظیمی دارند، طبیعتاً می‌توانند هم نیرو جذب کنند، هم زمین و تجهیزات بخرند، هم قوانین و دستورالعمل وضع کنند و حتی تجهیزات و نیروی نظامی استخدام کنند؛ در شرایطی که آنها چنین پتانسیل‌هایی دارند، چرا باید زیر یوغ و نظارت دولت‌ها باشند؟

کمپانی‌های بزرگ علیه دولت‌ها

اگر فرض را بر این بگیریم که روزی این اتفاق بیفتد، بیایید تصور کنیم دنیا چگونه خواهد شد؟ اول از همه احتمالا در چنین شرایطی معنی مرزهای جغرافیایی و کشورها از بین خواهد رفت چرا که غول‌های بزرگ تجاری در نقاط مختلف جهان ساختمان و تجهیزات و تشکیلات دارند و از سویی بسیاری از تجهیزات و ساختمان‌های این غول‌ها در یک نقطه جغرافیایی در نزدیکی هم قرار دارد، بنابراین عملاً خط‌کشی مرزی بی‌معنا می‌شود! مردم به جای اینکه زیر نظر، پرچم و قوانین کشورها باشند، فارغ از اینکه کجا زندگی می‌کنند، تحت لگو و قواعد مشخص یکی از این کمپانی‌ها زندگی و کار خواهند کرد؛ برای این منظور احتمالا هر کدام از شرکت‌های حاکم آن روز برای خود یک نظام و چارچوب قانونی و حقوقی وضع خواهند کرد و هر شخصی با پذیرش عضویت در آن شرکت ، پیرو این نظام و چارچوب خواهد شد، همچنین اعضای هر شرکت از امتیازات و مزایای ویژه آن شرکت هم بهره‌مند خواهند شد که احتمالا در این بخش‌ها به صورت رقابتی تعریف و تدوین می‌شود. دولت‌ها به معنای فعلی وجود نخواهند داشت و تنها نهادهایی به نمایندگی از هر شرکت در گستره‌های جغرافیایی جهانی و به فواصلی مشخص ایجاد می‌شوند تا به مردم و اعضای خود ارائه خدمت کنند. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، احتمالا معنای مهاجرت کاری یا مهاجرت برای زندگی بهتر نیز کمرنگ خواهد شد چرا که هر فرد می‌تواند بدون تغییر محل جغرافیایی زندگی خود، با تغییر عضویت به یک شرکت دیگر، از مزایا و امکانات آن بهره‌مند شود. شاید شبکه‌های موبایل یک مثال ملموس مشابه برای ما باشند.

مثال استفاده از خدمات اپراتور موبایل

در یک خانه هر کدام از اعضای خانواده ممکن است از خدمات یک اپراتور موبایل استفاده کنند، مثلا ممکن است یکی از فرزندان از همراه اول استفاده کند و دیگری از ایرانسل و نفر بعد از رایتل؛ طبیعتاً هر کدام از آنها از مزایای اپراتور خود بهره می‌برند و البته محدودیت‌ها و قواعد آن اپراتور را هم پذیرفته‌اند و هرلحظه می‌توانند، اپراتور موبایل خود را تغییر داده و به شبکه دیگری مهاجرت کنند؛ احتمالا این آینده‌ای که از آن صحبت می‌کنیم نیز شرایطی مشابه با مثال اپراتورهای موبایل برای انسان‌ها خواهد داشت و هر فرد می‌تواند کمپانی خود را انتخاب کند یا تغییر دهد با این تفاوت که این انتخاب در همه ارکان زندگی او نقش خواهد داشت!

بعضی‌ها معتقدند اینکه دولت‌هایی مانند آمریکا اجازه نمی‌دهند، شرکت یا شخصی بیش از حد بزرگ شود هم ترس از همین آینده است! مثلا می‌بینیم روزی اپل و استیو جابز به یک غول تبدیل می‌شود و روزی مایکروسافت و بیل گیتس مقابلش قد علم می‌کند، روزی گوگل قدرت می‌گیرد، پس از مدتی فیسبوک و مارک زاکربرگ و مدتی بعد هم تسلا و ایلان ماسک.

چرا دولت‌ها ، غول‌های جدید اقتصادی را ایجاد یا حمایت می‌کنند؟

آنها معتقدند این سیاست فکر شده دولت‌ها و سیاسیون است که همواره سعی می‌کنند تا غول‌های جدیدی ایجاد کنند تا در مقابل قبلی‌ها قد علم کنند و توجهات و قدرت تجاری و اعتباری را به سمت خود ببرند و بعد از مدتی، کمپانی جدیدی را به همان شکل و دلیل مقابلش (البته در پشت پرده و به طور غیرعلنی) حمایت می‌کنند.

اما همانطور که هنوز ایده سوپرلیگ به صورت کامل از بین نرفته و حتی سه باشگاه از ۱۲ باشگاه هنوز حاضر نشده‌اند از قرارداد خارج شوند و به همین دلیل ممکن است روزی دوباره سوپرلیگ به صورت جدی‌تر احیا و حاکم شود، این کمپانی‌ها هم ممکن است روزی تصمیم به طغیان بگیرند! از جمله نشانه‌هایی که این فرضیه را تقویت می‌کند، ورود فناوری‌های جدیدی است که پیش‌زمینه‌های این اتفاق را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال رمزارزها و فناوری بلاک چین (Block chain) همانطور که می‌دانیم با این هدف طراحی شده اند که امکان نظارت از سوی دولت‌ها و شخص ثالث از بین برود و خود زنجیره در کنار هم بتوانند چنین کاری انجام دهند. از طرفی توسعه فناوری اینترنت اشیا (Internet of things) هم امکان نظارت و کنترل متمرکز، غیرمتمرکز و هوشمند را به طور همزمان فراهم کرده است. اخیراً هم با معرفی مفهوم متاورس (metaverse)، این حلقه تکمیل تر شده و زندگی در جهان مجازی قدرت بیشتری به غول‌های اقتصادی به ویژه غول‌های فناوری می‌دهد.

شاید بتوان گفت مهمترین عامل همه این بحث‌ها چه سوپرلیگ اروپا چه منازعات سیاسی و چه اقدامات کمپانی‌های تجاری در یک کلام خلاصه می‌شود و آن هم «پول» است.

اگر این ایده را قبول کنیم، شاید ایجاد این تغییرات در جهان آینده «ناگزیر» باشد! البته بدیهی است که وقوع چنین تغییرات بزرگی، تابع اتفاقات و شرایط متعدد و گوناگونی است و همین اتفاقات و شرایط است که درنهایت مسیر آینده جهان را تعیین می‌کند.

نقش شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد بین‌الملل

دنیای اقتصاد: مفهوم شرکت چند ملیتی (Multinational corporation) محصول دوره پس از جنگ جهانی دوم است و کاربرد متداول تعبیر چند ملیتی از هنگام انتشار ضمیمه اختصاصی مجله «بیزنس ویک» (Business Week) تحت عنوان شرکت‌های چند ملیتی آغاز گردید (رهنما، ۱۳۵۷، ص ۷۸)، اما نقش کنونی شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد جهانی به دوران مرکانتیلیسم (Mercantilism) برمی‌گردد. اهمیت دستیابی به منابع ارزشمند معدنی، همچون طلا و نقره سبب گردید تا کشورهای قدرتمند آن دوران، همچون بریتانیا، فرانسه، هلند، اسپانیا و پرتغال با استفاده از شرکت‌های تجاری جدیدالتاسیس، ثروت کشورهای مستعمره را به صورت شمش‌های طلا و نقره به کشور خود انتقال دهند. همزمان با گسترش قدرت این کشورها در جهان و تاسیس شرکت‌های تجاری و ناوگان‌های بزرگ دریایی، کالاهای تولیدی در کارخانجات این کشورها به سوی بازارهای محلی مناطق مستعمره سرازیر گردید و در مقابل منابع معدنی و ثروت‌های طبیعی کشورهای مستعمره به سوی کشورهای قدرتمند انتقال یافت.

این دادوستد از کانال شرکت‌هایی می‌گذشت که مادر اولیه شرکت‌های چند ملیتی امروزی هستند، از مهم‌ترین این شرکت‌ها می‌توان به کمپانی‌های «هند شرقی» (the east India) و «رویال آفریکن» (Royal African) اشاره کرد. در یک تعریف جامع می‌توان گفت که شرکت‌های چند ملیتی بنگاه‌های بزرگ صنعتی- تجاری هستند که پایگاه اصلی آنها در یک کشور واقع است؛ اما علاوه بر آن در چند کشور خارجی دیگر از طریق شبکه‌ای از واحدها، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع، فعالیت تولیدی و فروش دارند. این در حالی است که برخی از نظریه‌پردازان میان مفهوم «شرکت‌های فرا ملی» (TNCs) و «شرکت‌های چند ملیتی» (MNCs) تمایز قائل شده‌اند. به گفته اینان، شرکت فراملی عمدتا در یک کشور فعالیت می‌کند؛ ولی در کشورهای دیگر نیز شعب و کارخانجاتی دارد؛ در حالی که شرکت چند ملیتی در چندین کشور فعالیت می‌کند، بدون آنکه در ارتباط با کشوری خاص مورد شناسایی قرار گیرد. البته ما در این پژوهش از اصطلاح چند ملیتی که رایج‌تر به نظر می‌رسد، استفاده کرده‌ایم.

با انقلاب صنعتی فعالیت شرکت‌های چندملیتی شکلی جدید به خود گرفت و این شرکت‌ها با همکاری بانک‌های بزرگ در کشور مادر، اقتصاد کشورهای توسعه نیافته را تحت تسلط خود درآوردند. مفهوم شرکت چند ملیتی در طول حیات خود به نام‌های گوناگون نامیده شده است: «موسسه بازرگانی بین‌المللی»، «بنگاه بین‌المللی»، «گروه شرکت‌های بین‌المللی»، «بنگاه چند ملیتی»، «شرکت‌های چند ملیتی»، «واحد بازرگانی بین‌المللی»، «گروه هم‌بسته بین‌المللی» و حتی «هیولای شرکتی ایالات‌متحده» (پل سوئز و دیگران، ۱۳۵۸، ص ۷۰).

دوران پس از جنگ جهانی دوم، دوران حساسی در اقتصاد جهانی و حیات شرکت‌های چند ملیتی بود؛ چرا که خسارت ناشی از جنگ در اروپا و شرق آسیا سبب گردید تا زمینه‌ای مناسب برای افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در جهان فراهم آید. آمریکا در چارچوب طرح مارشال و به دنبال گسترش نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی‌اش در جهان، مقدمات لازم را در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی مهیا نمود. از آن پس میلیاردها دلار در اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و دیگر نقاط جهان سرمایه‌گذاری گردید. شرکت‌های بزرگ آمریکایی به ایجاد کارخانجات در سراسر جهان پرداختند و این روند افزایشی تا اواخر دهه ۶۰ ادامه یافت. در آن زمان در پشت همه فعالیت‌های اقتصادی دولت آمریکا، انگیزه‌های سیاسی وجود داشت و آن متوقف ساختن گسترش جهانی کمونیسم در اروپا و سایر نقاط جهان از طریق توسعه اقتصادی مناطق مورد «تهدید» بود (اسکیلز، ۱۳۷۴، ص ۶۵).از اوایل دهه ۶۰ به بعد، دیگر کشورهای اروپایی و خصوصا بریتانیا، مجددا نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در جهان به دست آوردند و شرکت‌های فرا ملی این کشورها، شروع به تاسیس شعب ساخت کالا در کشورهای دیگر جهان نمودند؛ اما بریتانیا و شرکت‌های چند ملیتی این کشور همواره در این زمینه دارای جایگاه ویژه بوده‌اند. علل عمده‌ای که بریتانیا را به‌صورت دومین کشور مادر برای شرکت‌های چند ملیتی درآورد به شرح زیر بود:

- بریتانیا دارای سابقه تاریخی و تجربه کافی در امر سرمایه‌گذاری مستقیم بود و همین مساله شرکت‌های بریتانیایی را یاری کرد تا با تجربه و زمینه مناسب به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورهای جهان بپردازند.
- بریتانیا پیوند خود را با کشورهای مشترک‌المنافع (Common Wealth Countries) حفظ کرده بود و در همین راستا از حمایت‌های دولتی در این کشورها استفاده نمود و به سرمایه‌گذاری در کشورهایی که سابقا مستعمره بریتانیا بودند، پرداخت.
- بریتانیا دومین قدرت بزرگ دریایی پس از آمریکا بود و این امر باعث می‌شد تا در صورت بروز خطر برای شرکت‌های آن، توان کافی در جهت حفظ منافع این شرکت‌ها را داشته باشد؛ بنابراین مجموعه‌ای از عوامل فوق و برخی از عوامل دیگر سبب شد که بریتانیا در زمینه صدور سرمایه‌های مستقیم در کنار آمریکا قرار گیرد. بازسازی اقتصادی در اروپای غربی سبب شد که کشورهای این قاره نیز صادرات سرمایه را از سر گیرند و در کنار آن شرکت‌های چند ملیتی این کشورها نیز از سال۱۹۶۵ به بعد توسعه چشمگیری یابند. در راس کشورهای اروپای غربی که به صدور سرمایه مستقیم پرداختند، می‌توان از آلمان فدرال، سوئیس، هلند، فرانسه، بلژیک و سوئد نام برد.

ژاپن نیز از دهه۱۹۶۰ به بعد سرمایه‌گذاری خارجی را آغاز کرد و عمدتا مناطق شرقی آسیا و اقیانوسیه را به این منظور برگزید. اواخر دهه۶۰ و اوایل دهه ۷۰ نقطه عطفی در تاریخ فعالیت شرکت‌های چند ملیتی بود؛ زیرا تعداد شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای صنعتی غرب افزایش چشمگیری یافته و به حدود ۱۰ هزار شرکت رسیده بود که از نظر تعداد، در راس این شرکت‌ها، شرکت‌های آمریکایی، بریتانیایی، آلمانی، سوئیسی، فرانسوی و هلندی قرار داشتند. البته نیاز کشورها به سرمایه خارجی تنها دلیل گسترش فعالیت شرکت‌های چند ملیتی پس از جنگ جهانی دوم نبود، بلکه عوامل دیگری چون تکنولوژی، مدیریت و بازاریابی نیز در این مورد دخیل بودند. از سوی دیگر طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، اوج‌گیری احساسات ناسیونالیستی در جهان سوم اعتراضاتی را از طرف این جناح متوجه شرکت‌های چندملیتی ساخت. در کشورهای جهان سوم، نخبگان، دانشجویان، کارگران صنعتی، دهقانان و بازرگانان بیکار شده و به انتقاد و اعتراض علیه این شرکت‌ها پرداختند. در این شرایط گروه‌های حاکم که با تقاضای فزاینده اجتماعی برای اشتغال، مسکن و رفاه اجتماعی روبه‌رو بودند، دریافتند که می‌توانند از این شرکت‌ها امتیازاتی بگیرند؛ بنابراین آنها را تحت‌فشار قرار دادند تا عملکرد خود را در کشورهای میزبان بهبود بخشند که در نتیجه محدودیت‌هایی بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی اعمال گردید (دوئرتی وفالتزگراف، ۱۳۷۲، ص۳۹۳)، اما با وجود فشارهای همه‌جانبه‌ای که بر شرکت‌های چندملیتی وارد شد، این شرکت‌ها همچنان به رشد و گسترش خود ادامه دادند.

آگهی

آگهی مفقودی

بدینوسیله اعلام می گردد دفترچه تراکتور ITM ۲۸۵-2WD و شماره سری TC۸۹۰۷۵ و شماره موتور LFW۲۶۴۵K به نام عبداله ایام و کدملی ۳۴۸۹۵۰۹۷۴۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. ۳۷۴۷۵/۱۹۵۸۱۸

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۲۵۳۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی اقای حسین اکبری بهبهانی فرزند نظر به شناسنامه و کدملی ۱۸۵۰۲۱۰۷۰۵ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۸۵/۲۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۹۵۹/۴/۲۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان انتقال ملک از مالک رسمی نظر اکبری بهبهانی احدی از ورثه کریم محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرض حال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

۳۷۴۷۱ ۸/۳۴۸ م الف

احمدی– سرپرست ثبت بهبهان

آگهی مناقصه و ارزیابی کیفی

شماره آگهی مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۰۰۰۵۶۶۹۰۰۰۰۵۹ نوع فراخوان : ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مر حله ای نسبت به انتخاب پیمانکاران واجدشرایط حداقل بارتبه ۵ در رشته آب پروژه خرید و لوله گذاری مجموعه ارودان و قلعه محمد شهرستان مهر اقدام نماید .

۱)محل پروژه : شهرستان مهر ۲)مدت اجرا ء پروژه : ۱۰ ماه ۳)محل اخذ اسناد : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir

۴))برآورد اولیه: ۱۴،۱۰۷،۵۸۸،۰۷۳ ریال. ۵)تاریخ نهایی اخذ اسناد: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷ ۶)تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

۷)تاریخ کمیسیون باز گشایی پاکات ارزیابی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ و تاریخ بازگشایی پاکات الف و ج : ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

۸)به پیشنهادهای فاقد امضاء ،مشروط،مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرردر مناقصه ارائه شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۹)مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۷۰۶۰۰۰،۰۰۰ ریال . ۱۰) قیمت اسناد ۲،۰۰۰،۰۰۰ (ریال) به حساب ۱۵۲۸۹۳۶۴۰۴ بانک ملت به شناسه پرداخت ۲۴۰۰۰۸۰۳۷۱۱۲ نام شرکت آب و فاضلاب استان فارس که حتما از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام پذیرد. ۱۱)اعتبارات طرح از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی و بودجه عمومی با کد طرح ۱۲۸ف۱۵۰۳۰۰۳ که از طریق اسناد خزانه اسلامی، اوراق مشارکت و غیره پرداخت میگردد می باشد.

۱۲)نوع تضمین شرکت در مناقصه:ضمانت نامه بانکی (شرکت در فرآیند ارجاع کار) در وجه شرکت آب و فاضلاب استان فارس.(سه ماه اعتبار و قابل تمدید)

۱۳)سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج شده است.

۱۴) این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir ثبت گردیده فقط پاکاتی قابل قبول و بازگشایی میگردد که شرکت کننده (مناقصه گر) در سامانه ثبت نام و کلیه مدارک را در سامانه بارگذاری و پیشنهاد قیمت را ارائه نموده باشند، پاکت ضمانتنامه (الف)علاوه بر بارگذاری در سامانه بدون هیچ تغییری میبایست بصورت فیزیکی تحویل دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب فارس گردد.

وب سایت جهت باز بینی آگهی مناقصه www.abfa-fars.ir می باشد. تاریخ آگهی نوبت اول ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ و نوبت دوم ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

۱۲۶۰۶۴۶ ۳۷۴۷۲

شرکت آبفا استان فارس